

34644 - اشتباهاتی که هنگام طواف رخ می‌دهد

سوال

در هنگام طواف متوجه شده‌ام که برخی از مردم در آغاز طوافشان می‌ایستند و نیت طواف را به زبان می‌آورند. همینطور دیده‌ام بعضی برای رسیدن به حجر الاسود به شدت تلاش می‌کنند و دیگران را هل می‌دهند و شاید با بقیه درگیر هم بشوند. نظر شما درباره‌ی این کارها چیست؟

پاسخ مفصل

الحمد لله.

این‌ها از جمله اشتباهاتی است که در هنگام طواف رخ می‌دهد که چند نوع است:

«اول:

به زبان آوردن نیت هنگام قصد طواف. مثلاً می‌بینی شخص وقتی می‌خواهد طواف را شروع کند رو به حجر الاسود کرده و می‌گوید: **خداوندا من نیت کردم که برای عمره هفت بار طواف کنم یا خداوندا من نیت کردم که به نیت حج هفت بار طواف کنم یا خداوندا نیت کردم که به قصد تقرب به تو هفت بار طواف را به جای آورم.**

به زبان آوردن نیت بدعت است؛ زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - چنین کاری را انجام نداده و به امتش امر نکرده که چنین کنند، و هرکس کاری را به قصد عبادت انجام دهد که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - انجام نداده‌اند و به امتشان امر نکرده‌اند در دین الله چیزی را نو پدید آورده که از آن نیست. تلفظ نیت به هنگام طواف نیز اشتباه و بدعت است و همانطور که این کار از نظر شرع صحیح نیست، از نظر عقل نیز درست نیست. چه نیازی هست که نیت را به زبان بیاوری حال آنکه نیت امری است میان تو و پروردگارت، و الله سبحانه و تعالی به آنچه در دل‌ها است آگاه است و می‌داند که تو می‌خواهی طواف کنی، و چون او از قصد تو آگاه است نیازی ندارد که قصد خود را برای بندگانش آشکار نمایی.

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نیز پیش از تو طواف نموده و هنگام طواف نیتش را به زبان نیاورده. صحابه نیز - رضی الله عنهم - پیش از تو طواف کرده‌اند و نیتشان را هنگام طواف و دیگر عبادات به زبان نیاورده‌اند. بنابراین چنین کاری اشتباه

است.

دوم:

برخی از افراد هنگام استلام حجر الاسود و رکن یمانی به شدت ازدحام ایجاد می‌کنند و به خود و دیگران آزار می‌رسانند و چه بسا حتی زنان را هل دهند و شاید در این میان دچار وسوسه‌ی شیطان شوند و در این حین اسیر شهوت‌های خود شوند. او نیز بشری است که ممکن است نفس اماره‌ی به سوء بر او چیره شود و نزد بیت الله دچار چنین منکری شود که این کار به اعتبار آنکه در مکانی بزرگ رخ داده گناه بزرگتری به حساب می‌آید و چنین چیزی هر جایی رخ دهد موجب فتنه است.

ازدحام شدید و هل دادن مردم برای استلام حجر الاسود یا رکن یمانی کار مشروعی نیست. اگر در حال آرامش توانستی این کار را انجام دهی کاری است مطلوب، اما اگر امکانش نبود می‌توانی به حجر الاسود اشاره کنی.

اما در مورد رکن یمانی اشاره کردن به آن از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - وارد نشده است و نمی‌توان آن را با حجر الاسود قیاس کرد، زیرا منزلت حجر الاسود بزرگتر از آن است و ثابت شده که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به آن اشاره کرده‌اند.

ازدحام و هل دادن همدیگر در این حالت علاوه بر اینکه مشروع نیست و در صورت وجود زنان ترس فتنه نیز وجود دارد، همچنین باعث ایجاد تشویش در دل و ذهن انسان می‌شود، زیرا در چنین حالتی احتمالش بالاست که از دیگران چیز بدی بشنود و در نتیجه احساس خشم و نا آرامی به او دست دهد.

حال آنکه شخص در حین طواف باید در حال سکوت و آرامش درونی باشد تا بتواند طاعت الله را احساس نماید، زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: **همانا طواف خانه و [سعی] میان صفا و مروه و رمی جمرات برای برپا داشتن یاد الله است.**

سوم:

بعضی فکر می‌کنند طواف بدون بوسیدن حجر الاسود صحیح نیست و بوسیدن این سنگ شرط درست بودن طواف و حج و عمره است. اما چنین گمانی صحیح نیست و بوسیدن حجر الاسود سنت و مستحب است، و بلکه سنتی مستقل هم نیست بلکه برای شخصی که طواف می‌کند سنت است و دلیلی نیافته‌ام که این کار برای غیر طائف هم سنت باشد. بنابراین وقتی بوسیدن حجر الاسود سنت است نه واجب و نه شرط، کسی که این سنگ را نبوسیده نمی‌گوییم که طوافش صحیح نیست یا ناقص است و به سبب آن گناهکار می‌شود؛ بلکه طوافش صحیح است و در صورت ازدحام شدید اشاره به حجر الاسود

بہتر از استلام آن است، زیرا این کاری است کہ پیامبر - صلی اللہ علیہ وسلم - در هنگام شلوغی انجام دادند و انسان با این کار ہم از اذیت کردن دیگران دوری می‌کند و ہم خودش را از اذیت و آزار دیگران حفظ می‌کند.

حال اگر کسی بپرسد: در صورت شلوغ بودن مطاف، نظر شما چیست: آیا بہتر آن است کہ عرصہ را بر دیگران تنگ کنم و حجرالاسود را استلام نمایم و آن را ببوسم؟ یا بہ آن اشارہ کنم؟

می‌گویم: بہتر است کہ بہ آن اشارہ کنی، زیرا [در حال ازدحام] این سنت پیامبر - صلی اللہ علیہ وسلم - است و بہترین روش، روش محمد - صلی اللہ علیہ وسلم - است.

چهارم:

بوسیدن رکن یمانی. بوسیدن رکن یمانی از پیامبر - صلی اللہ علیہ وسلم - ثابت نشده است و ہر عبادتی کہ از پیامبر - صلی اللہ علیہ وسلم - نقل نشده بدعت است، نہ عامل نزدیکی بہ اللہ. بر این اساس، مشروع نیست کہ انسان رکن یمانی را ببوسد، زیرا چنین چیزی از پیامبر - صلی اللہ علیہ وسلم - ثابت نشده و صرفاً حدیثی ضعیف در این بارہ وارد شدہ کہ نمی‌توان بہ آن استناد کرد.

پنجم:

برخی از مردم وقتی می‌خواهند حجرالاسود یا رکن یمانی را مسح کنند از روی سہلانگاری آن را با دست چپ مسح می‌کنند، کہ این اشتباہ است، زیرا دست راست گرمی‌تر از دست چپ است و دست چپ صرفاً در اموری کہ گرمی نیست یا جاہای ناپاک مقدم داشته می‌شود، مانند استنجا و گرفتن بینی و مانند آن، اما در جاہای گرمی و محترم دست راست مقدم است.

ششم:

برخی گمان می‌کنند استلام حجرالاسود و رکن یمانی از روی تبرک است نہ عبادت، و بنابراین بہ قصد تبرک آن را مسح می‌کنند کہ این کار بدون شک برخلاف مقصود است، زیرا مقصود از مسح حجرالاسود یا بوسیدن آن بزرگداشت اللہ عزوجل است، برای ہمین رسول اللہ - صلی اللہ علیہ وسلم - هنگام استلام حجرالاسود تکبیر گفتند کہ این نشان دہندہی آن است کہ مقصود از این کار بزرگداشت اللہ عزوجل است نہ تبرک جستن با مسح این سنگ. از ہمین روی است کہ امیرالمومنین عمر - رضی اللہ عنہ - هنگام استلام حجرالاسود فرمودند: **بہ اللہ سوگند کہ من می‌دانم تو سنگی هستی کہ نہ**

زیانی می‌رسانی و نه سودی، و اگر ندیده بودم که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - تو را می‌بوسید هرگز تو را نمی‌بوسیدم.

این گمان اشتباه برخی از مردم - که فکر می‌کنند مقصود از مسح رکن یمانی و حجر الاسود تیرک است - باعث شده که عده‌ای از آنان رکن یا حجر الاسود را با دست خود مسح کنند و سپس آن را به کودک خود بکشند، اما این اعتقادی است فاسد که باید از آن نهی شود و به مردم بیان شود که چنین سنگ‌هایی نه سودی می‌رسانند و نه زیانی و مقصود از مسح آن بزرگداشت الله متعال و برپا داشتن ذکر او و اقتدا به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می‌باشد.

همه‌ی این کارها و مانند آن مشروع نیست و بلکه بدعت است و سودی به صاحبش نمی‌رساند، اما در صورتی که انجام دهنده‌اش جاهل باشد و نداند کارش بدعت است امید است که بخشیده شود. اما اگر عالم باشد و یا کارش از روی سهل انگاری باشد، گناهکار است.

هفتم:

برخی از مردم در هر دور طواف دعای مخصوصی را می‌خوانند که این از جمله بدعت‌هایی است که از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و یارانشان نقل نشده است. پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و یارانشان برای هر دور طواف دعای مخصوص قرار نداده بودند، جز آنکه میان رکن یمانی و حجر الاسود این دعا را می‌گفتند که: **ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار.** ایشان می‌فرماید: **همانا طواف خانه و [سعی میان] صفا و مروه و رمی جمار برای برپا داشتن ذکر الله است.**

این بدعت‌ها وقتی بدتر می‌شود که شخص کتابچه یا کتابی حاوی دعای هر دور طواف را نیز در دست داشته باشد و به سبب آنکه عربی نمی‌داند یا معنای دعاها را نمی‌فهمد بدون آنکه بداند چه می‌گوید آن را تکرار کند، تا جایی که گاه می‌شنویم برخی دعاهایی را می‌گویند که به طور واضح تحریف شده و اشتباهند، حتی یک بار شنیدیم یکی می‌گفت: **خداوندا مرا با جلالت از حرامت بی‌نیاز کن!** که درستش این است: **خداوندا مرا با جلالت از حرامت بی‌نیاز کن.**

دیگر اینکه می‌بینیم برخی از روی این کتابچه دعا می‌کنند و وقتی دعای آن دور تمام شد در ادامه‌ی طواف چیزی نمی‌گویند و دعایی نمی‌کنند، و اگر مطاف خلوت بود و یک دورشان پیش از پایان دعا تمام شد دعایشان را قطع می‌کنند!

داروی این اشتباه این است که به حجاج بگویم انسان در حال طواف هر دعا و ذکر که دوست داشت می‌تواند بگوید، و اگر این برای مردم توضیح داده شود چنین مشکلی هم از بین می‌رود.

حکم کسی که این بدعت‌ها را انجام می‌دهد:

مردمی که چنین کارهایی می‌کنند از چند حالت خارج نیستند:

یا آنکه کلا در این موارد جاهلند و اصلا به فکرشان خطور نمی‌کند که کارشان درست نیست؛ چنین کسانی امید است که گناهکار نباشند.

اما کسی که از روی علم و به عمد چنین می‌کند و باعث گمراهی خود و دیگران می‌شود، چنین کسی بدون شک خود گناهکار است و گناه کسانی از وی پیروی کنند نیز بر گردنش خواهد بود.

اما کسی که نادان است و از روی سهل‌انگاری از علما هم سوال نمی‌کند، ترس این است که به سبب سهل‌انگاری و سوال نکردن از علما گناهکار باشد.

امیدواریم الله سبحانه و تعالی برادران مسلمان ما را هدایت عطا کند تا این اشتباهات را که در طواف رخ می‌دهد اصلاح نمایند و طوافشان موافق چیزی باشد که از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روایت شده، زیرا بهترین راه و روش، راه و روش محمد - صلی الله علیه وسلم - است، و دین بر اساس احساسات و عواطف و گرایش درونی افراد نیست، بلکه دین از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - گرفته می‌شود.